

رسانه‌های آن روزها برای جنگ جدید میان روزنامه‌های عصر جشن گرفتند (که مدت‌ها قبل روزنامه‌های صبح بودند).

از نظر ما این یک جنگ بازاریابی قانونی و حرفه‌ای بود؛ از نظر آرنون موزس این یک جنگ تمام‌عیار، بی‌قانون و مصون از گرفتاری بود.

آن‌ها از هیچ چیز نمی‌ترسیدند و از ابزار ناشایست و غیرقانونی مثل استراق‌سمع و تعقیب کردن استفاده می‌کردند. با یک واقعیت دشوار و تلخ روبه‌رو شدیم که آن را نمی‌شناختیم و نمی‌دانستیم چگونه با آن برخورد کنیم. ناگهان متوجه شدیم، که ما کاملاً در معرض دید قرار گرفته‌ایم- و به حریص شخصی ما دستبرد زده شده است.

در خانه، ما را شنود می‌کردند، در دفتر شنود می‌کردند، خطوط تلفن و فکس ما را شنود می‌کردند، ما را تعقیب و خانه ما را دیدبانی می‌کردند.

«امید و شکست» **خاطرات سال‌ها فعالیت اطلاعاتی – امینبی یعقوب نمرودی پرای اسرائیل – ۶۵**

گرفتاری در تله شبکه استراق‌سمع

این مانند رعد و برق در روز روشن بر سر ما فرود آمد.

در چنین شرایطی آدم احساس تنهائی، بی‌پناهی و تقریباً ناتوانی می‌کند. مرحله بعدی سوءظن شدید به آدم هجوم می‌آورد و حالا همه‌چیز مشکوک به نظر می‌رسد: هدیه‌ای که به دفتر برسد، یک راننده جدید، چراغ روی میز. در همه‌جا میکروفون‌هایی را می‌بیند.

فکر می‌کند که شخص دیگری را او تعقیب می‌کند.

به تدریج اعتمادبه‌نفس خود را در میان جمع از دست می‌دهد.

این واقعیتی بود که بعد از به دست آوردن معاریو مجبور بودیم با آن زندگی کنیم، کار کنیم و زنده بمانیم. زمان کمی گذشت تا متوجه شویم که چقدر ساده‌لوح بودیم.

با حماقت فکر می‌کردیم که در مطبوعات یک بازی عادلانه، مرزها و خطوط قرمزى که عبور از آنها ممنوع است وجود دارد. آسان نبود که یک روز بسا اطمینان بدانیم که هرچه که ما می‌گفتیم، هرچه ما برنامه‌ریزی می‌کردیم– همه را آرنون موزس از طریق شبکه استراق‌سمع که ما را در همه‌جا شنود می‌کرد، می‌دانست.

احساس کردیم که ما در یک نوع تله گرفتار شدیم و مخالفان ما، ما را به حال خود نخواهند گذاشت و رها نخواهند کرد تا سقوط کنیم.

فرانسوی‌ها می‌گویند «جنگ مثل

با حماقت فکر می‌کردیم که در مطبوعات یک بازی عادلانه، مرزها و خطوط قرمزى که عبور از آنها ممنوع است وجود دارد. آسان نبود که یک روز با اطمینان بدانیم که هرچه که ما می‌گفتیم، هرچه ما برنامه‌ریزی می‌کردیم– همه را آرنون موزس از طریق شبکه استراق‌سمع که ما را در همه‌جا شنود می‌کرد، می‌دانست. احساس کردیم که ما در یک نوع تله گرفتار شدیم و مخالفان ما، ما را به حال خود نخواهند گذاشتت و رها نخواهند کرد تا سقوط کنیم.

«جنگ»، و این دقیقاً همان چیزی است که پسرم عوفر برای آزاد شدن از آن دام انجام داد. در گرمای نبرد، عوفر از مرز تفکیک بین خوب و بد عبور کرد و بهای سنگینی پرداخت.

اما نمی‌توانم بی‌عدالتی‌ای که اینجا رخ داد را قبول کنم و آن را بپذیرم. در اینجا تبعیض وجود دارد.

چگونه ما را به میان این جنگ ناخوشایند کشیدند، مجبور به مقابله با دستگیری و بازجویی‌ها و دادگاه شدیم و به آسانی

عقب افتادیم، در حالی که آرنون موزسای که همه‌چیز را آغاز کرد، قوانین این بازی ناشایست را تعیین کرد و دنیای مطبوعات اسرائیل را به حوزه کفبری کشاند، موفق شد در بیرون گود باقی بماند و خود را مبرا کند و هیچ بهائی نپردازد.

چند روز بعد عوفر برای آنچه که بعداً پرونده شنود نامیده شد، بازداشت شد، او آمد و برای من درباره فشار، شوک و بهتی که از زمان خرید معاریو توسط ما به آنها وارد شده بود تعریف کرد.

عوفر گفت که تقریباً از لحظه‌ای که به دنیای مطبوعات وارد شدیم، خانواده ما و همچنین مقامات ارشد معاریو تحت تعقیب و استراق‌سمع بوده‌اند.

یدیעות‌آحارونوت و در رأس آنها آرنون (نوسی) موزس از شنود غیرقانونی با این منظور که به معاریو اجازه بازگشت به اوج



مجالس است.»

۴-۱۴. جایگاه روحانیت در میان توده‌ها
اسام در رابطه با جایگاه روحانیت در میان توده‌ها می‌نویسند:

«امروز در قطب شیعه آن روحانی که احترامش از همه بیشتر و شتر تفتند در خانه او زانو بر زمین زده رئیس روحانیون آقای آقا سید ابوالحسن اصفهانی است. شما از این مرد بزرگ کدام محافظه‌کاری و حرف خرافی شنیدید؟! رساله او بین توده پخش است. در آنکس جمله حرف خرافی و محافظه‌کاری پیدا کنید تا ما از شما بپذیریم و گرنه به‌محض گفتن

باز خوانی زمینه‌های فکری و سیاسی کتاب «کشف اسرار» امام خمینی (قدس‌س) – ۲۸

جایگاه اسلام و روحانیت در میان توده‌های مردم

و به توبه خود از آن جلوگیری کردند. چنانچه همه می‌دانیم در بیست و چند سال پیش از این، عالم عامل بزرگوار مرحوم حاج شیخ عبدالکریم که از بزرگ‌ترین روحانیون شیعه بود، در قم شبیه‌خوانی را منع کرد و یکی از مجالس بسیار بزرگ را مبدل به روضه‌خوانی کرد و روحانیون و دانشمندان دیگر هم چیزهایی که برخلاف دستور دین بوده منع کرده و می‌کنند. ولی مجالسی که به نام روضه در بلاد شیعه به پا می‌شود با همه نواقصی که دارد باز هر چه دستور دینی و اخلاقی است و هرچه انتشار فضائل و پخش مکارم اخلاق است در اثر همین

امام خمینی: اسلام هر کشوری را فتح کرد یا فتح کند یک قانون نورانی آسمانی در آنجا پیشنهاد کرده است که اگر به آن عمل کنند باسعادت ابدی هم آغوش شوند. اینک این قانون‌های خردمندانه اسلام، بیابند و ببینند! این قرآن اسلام را با دیگر کتاب‌های جهانیان بسنجند! این کشورگیری‌های مسلمان‌ها را با کسی از دیگران مقایسه کنند! این ایران ما را چه است؟ از ننگ آتش‌پرستی و مجوسیت‌ننگین بیرون آورد جز فتح اسلامی و چون معلوم شد که جهاد اسلامی، کشورگیری مانند سایر کشورگیری‌ها نیست.

پاورقی

Research@kayhan.ir

شدند با راه‌های خلاف او را به میان این چالش ناخوشایند بکشند. بعد از مدتی برای ما روشن شد که پلیس از اعضای یدیעות‌آحارونوت و در رأس آنها آرنون موزس و حمیم روزنبرگ، دست راست موزس در یدیעות تحقیق کرده است، به دادستانی برای ارائه کفبرخواست علیه این دو نفر، موزس و روزنبرگ توصیه کرده است.

همچنین وکیل الباهو شوارتز– شواف از دادستانی ناحیه تل‌آویو انتظار داشت که کفبرخواست علیه آرنون موزس و حمیم روزنبرگ صادر شود و پیش‌نویس کفبرخواست علیه آنها را آماده کرد. پیش‌نویس کفبرخواست علیه روزنبرگ فقط در پایان سال ۲۰۰۱ در معرض دید قرار گرفت و شامل هفت بند اتهام سنگین مظنون به جرم استراق‌سمع غیرقانونی، نصب و راه‌اندازی دستگاه‌های شنود غیرقانونی، استفاده از شنود غیرقانونی، نقض حریم خصوصی و غیره می‌شد (در پیوست ۴۷ مشاهده کنید).

پیش‌نویس کفبررخواست علیه روزنبرگ عمق مشارکت آرنون موزس در شنودها و این واقعیت که روزنامه یدیעות آحارونوت شروع‌کننده این موضوع بود را آشکار کرد. به عنوان مثال، اینچنین در بخش مقدماتی در بند دوم کفبرخواست بیان شده است.

در زمان نامشخصی اواخر سال ۱۹۹۳ متهم از لئوفر اطلاعاتی درباره عوفر نمرودی درخواست کرد که از آنها زمانی که سردبیر و رئیس هیئت‌مدیره روزنامه معاریو بود استفاده کند.

متهم اطلاعاتی را درخواست کرد که می‌دانست از طریق استراق‌سمع به دست می‌آید. در همان زمان درخواست لئوفر از مدیران شرکت آگام برای استفاده از شنود تلفن و موبایل نمرودی آغاز شد.

و در بخش عمومی پیش‌نویس کفبرخواست اینچنین بیان شده است:

از ماه نوامبر ۱۹۹۳ تا نزدیک آن تعداد جلسات متهم و لئوفر افزایش یافت. متهم

و لئوفر بارها در طی هفته در آپارتمانی مخفی در تل‌آویو دیدار می‌کردند و با هم به نوارهای استراق‌سمع شده مزبور گوش می‌کردند.

در طول دوره مزبور متهم اطلاعاتی را

که از طریق شنود مزبور به دست آمده بود به علاقه‌مندان در یدیעות انتقال می‌داد و آن‌ها می‌دانستند که اینن از طریق استراق‌سمع به دست آمده است. و در مورد مداخله مستقیم موزس در بخش عمومی پیش‌نویس کفبرخواست نوشته شده است:

همچنین در طول این دوره، همان‌طور که گفته شد متهم در سه موقعیت مختلف نوارهای شنود مزبور را از لئوفر گرفت تا به گوش آرنون موزس. مدیرمسئول یدیעות‌آحارونوت، برساند.

می‌شناسد و آنهایی که بین توده احترامشان از همه بیشتر است معروف هستند کدام‌یک خرافی و محافظه‌کارند نشان دهد تا مردم ببینند. ای بی‌خردان! این‌ها اگر نان را به ترخ روز می‌خورند و محافظه‌کاری برای جلب نفع احترامش از همه بیشتر و شتر تفتند در خانه او زانو بر زمین زده اعمال دیکتاتوری دراز کنند و یک‌قدم با پندارها و اعمال خودسرانه آنها همراهی کنند. آنها هم بهتر از همه کس می‌گردند خوب بود در این دوره تاریخ بیست سال یک دستنی طرف عمال دیکتاتوری دراز می‌کردند و یک‌قدم با پندارها و اعمال خودسرانه آنها همراهی کنند. آنها هم بهتر از همه کس می‌گردند. اهل منبر هم با آن‌که حسابشان غیر روحانیون است باز هرکدام اطلاعات تاریخی و تفسیری و علمی و اجتماعی‌شان بیشتر است و از گرافه‌های‌بو برکنارترند، پیش توده معروف‌تر و محترم‌تر هستند. شما گویندگان درجه اول را در هر جا ببینید و سخنان دانشمندانۀ آنها را بسنجید تا دروغ‌پردازی این ماجراجویان بی‌خرد آفتابی شود.»

۱۵-۴. موضع روحانیت نسبت به مفاسد پهلوی
«روحانی می‌گویند این کشف حجاب ننگین یسا نهفت با سرنیزه برای کشور ضروهای مادی و معنوی دارد و به‌قول خدا و پیغمبر حرام است. روحانی می‌گویند این کلاه‌گنی پس‌مانده اجانب، ننگ کشور اسلام است و استقلال ما را لکه‌دار می‌کند و به قانون خدا حرام است. روحانی می‌گویند این مدرسه‌های مختلط از دختره‌های جوان و پسرهای جوان شهوت‌پرست، عفت و ریشه زندقی و فوه

که می‌توانست به یک موضوع سیاسی تبدیل شود و بر ریاست‌جمهوری تأثیر بگذارد، من او را مطلع می‌کردم.»

در واقع، روستو و هلمز موقعیت‌های زیادی برای مطلع ساختن رئیس‌جمهور داشتند. به پیشنهاد روستو، از ریک هلمز دعوت شد تا در «ناهار هوشنبه‌ها» مهم‌ترین جلسه امنیت ملی سطح بالا در دوران جانشون، شرکت کند، «چون فکر می‌کردم رئیس‌جمهور باید یک فرد اطلاعاتی که بتواند با او مشورت کند در دسترس داشته باشد.» موضوع بحث در این جلسات هفتگی تا سال ۱۹۶۷ تقریباً به طور انحصاری ویتنام بود.

سؤال بعدی: چرا سازمان سیا آن‌قدر نگران داستان‌های ریمارتس بود که یک عملیات اطلاعاتی تمام‌عیار به راه انداخت، اما هیچ

جنگ سرد فرهنگی: سازمان سیا در عرصه فرهنگ و هنر– ۲۱۴

عملیات‌هایی برای رفع نگرانی «سیا»



تلاشی برای متوقف کردن بریدن نکرده؟ بریدن در نهایت چنین نتیجه‌گیری کرد: «فکر می‌کنم کاملاً محتمل است که آنها متناق بودند از شر همه این چیزها خلاص شوند.

«استورت السوپ ممکن است این را می‌دانست^۱ من همیشه احتمال می‌دهم در آن زمان کسانی در سازمان بودند که می‌خواستند از شر چنین مسائلی که عملاً لو رفته بودند و دیگر کارایی نداشتند، خلاص شوند. همه می‌دانستند، خبرگان و افرادی مثل «استو» قطعاً می‌دانستند که این تشکیلات همه پوشش سازمان سیا هستند. فرض می‌کنم همیشه در پس ذهن این بود که می‌خواستند آبا این مقاله| خودکشی کنند، اما نمی‌توانم آن را ثابت کنم.» از شر عملیات مخفی قدیمی که دیگر لو رفته بود.

۴-۲۰. علامه مجلسی و بحارالانوار
«کتاب بحارالانوار که تالیف عالم بزرگوار و محدث عالی‌مقدار محمدباقر مجلسی است مجموعه‌ای است از قریب چهارصد کتاب و رساله که در حقیقت یک کتابخانه کوچکی است که با یک اسم نام برده می‌شود. صاحب این کتاب چون دیده کتاب‌های بسیاری از احادیث است که به‌واسطه کوچکی و گذشتن زمان‌ها از دست می‌رود تمام آن کتاب‌ها را بدون آن‌که التزام به صحت همه آنها داشته باشد در یک مجموعه به اسم بحارالانوار فراهم کرده است و نخواستہ کتابی

را داشت و از هرکس برای او استفاده مہیاتر بود بعد از مردم چه چیز به‌جای خود گذاشت جز شرافت و بزرگی؟ ما می‌گوییم مدرس‌ها باید بر رأس هیئت تقنینیه و قوای مجریه و قضایی واقع شوند تا کشور از این حال فلاکت بیرون بیاید، نمی‌گوییم شاه باید فقیه باشد یا مقدمه واجب بخواند.»

۴-۱۹. خدمات شیخ عبدالکریم حائری پس از سیل قم
«در سال ۵۲ که شهر قم را سیل خراب کرد و هزاران اشخاص بی‌نوا بی‌سروسامان شدند، چه اشخاصی باهمت مردانه و حس دینداری از جا

چهارشنبه ۶ اسفند ۱۴۰۴

۷ رمضان ۱۴۴۷ – شماره ۲۴۰۸۷

داده‌اند که آلسوپ به ویژه در گفت‌وگو با مقامات دول خارجی به این سازمان کمک می‌کرد– پرسش‌هایی را که سیا در پی پاسخ به آنها بود مطرح می‌نمود، اطلاعات نادرستی را که به نفع ایالات‌متحده بود منتشر می‌کرد و امکان جذب اتباع خارجی دارای موقعیت مناسب را برای سیا ارزیابی می‌نمود.

جوزف برادر استورت، ادعای «عامل» بودن برادرش را «کاملاً بوج و بی‌اساس» خواند و گفت: «من از استو به سیا نزدیک‌تر بودم، هرچند استو نیز از تباط بسیار نزدیکی داشت.» اما او افزود: «با اطمینان می‌گویم که قطعاً برخی وظایف را انجام می‌داد– او به‌عنوان یک آمریکایی کاری را می‌کرد که باید انجام دهد…»

بنیانگذاران آسیا) دوستان شخصی بسیار نزدیک ما بودند…»

این یک رابطه اجتماعی بود. من هرگز حتی یک دلار هم دریافت نکردم، هرگز قرارداد محرمانگی^۱ امضا نکردم. لازم نبود… من کارهایی برای آنها انجام داده‌ام که فکر می‌کردم درست است. من آن را انجام وظیفه شهروندی می‌نامم… سیا آغوش خود را به روی کسانی که به آنها اعتماد نداشت باز نمی‌کرد.

آنها به استو و من اعتماد داشتند و من به این افتخار می‌کنم.» استورت آلسوپ به دالس (رئیس سازمان سیا) و حلقه اطراف او به عنوان «شرقی‌های شجاع» اشاره می‌کرد و از اینکه بخشی از آن «حلقه تنگ، آن گروه برادران^۱» بوده، احساس افتخار و خشنودی می‌نمود.

از یک جنبه بسیار مهم، مقاله بریدن نتیجه‌مورد انتظار را نداشت^۲ ادعای او مبنی بر اینکه سازمان یک مأمور در محله اینکاونتر گماشته بود، تنها می‌توانست با هدف افشای آن مأمور و تسریع استعفاى او انجام شده باشد. بریدن بعداً توضیح داد این فرد «یکی از مأموران ما بود، فردی با دستاوردهای فکری برجسته و توانایی نویسندگی و ما حقوقش را پرداخت می‌کردیم.»

پانوش‌ها:

۱- فـردی بـودی که طـرح بـه اصطلاح اصلاحات ارضی را در ایران و سایر کشورهای جهان مـوم برای جـلوگیری از نفوذ کمونیست‌ها و انقلاب سوسیالیستی ارائه داد.
۲- از یک شکل کوتاه شده ریچارد است. ریچارد هلمز
۳- سازمان سیا زمان کافی در اختیار داشت تا استناد به توافق محرمانگی خود با بریدن، از انتشار مقاله جلوگیری کند. اما ظاهراً اقدامی برای جلوگیری نکرد. بنابراین مقاله بریدن با جراع سبز و با هماهنگی سازمان سیا نوشته شد. او ادعا کرد که پیمان راز داری بادم نبود، درحالی که سازمان سیا می‌توانست برای او بآداری کند.
۴- السوپ شاید از قصد سیا برای پاید دادن به عملیات مطلع بوده که از من درخواست کرده آن مقاله افشاکرانه را بنویسم. شاید السوپ این درخواست را با هماهنگی سیا انجام داد.
۵- قرارداد محرمانگی با پیمان رازداری.
۶- right establishment, the bruderbund.
۷- نتایج مورد انتظار را نداشت چون نامی افشا نشده بود و بنابراین استعفاى هم صورت نگرفت شاید مقصود از انتشار یادداشت مقصر نمایی از یک فرد و اعلام عدم نفوذ سازمان‌CIA به محله اینکاونتر بود.



عملی بنویسد یا دستورات و قوانین اسلام را در انجـصا جمع کند تا در اطراف آن بررسی کرده و درست را از غیر درست جدا کند. در حقیقت «بحار» خزانه همه اخباری است که به پیشوایان اسلام نسبت داده شده چه درست باشد یا نادرست. در آن کتاب‌هایی هست که خود صاحب «بحار» آنها را تدبیر نمی‌داند و او نخواستہ کتاب عملی بنویسد تا کسی اشکال کند که چرا این کتاب‌ها را فراهم کردی.

پس نتوان هر خبری که در «بحار» است به رخ دینداران کشید که آن خلاف عقل یا حس است. چنانکه نتوان بی‌جهت اخبار آن را رد کرد که موافق سلیقه ما نیست؛ بلکه هر روایتی باید بررسی شود و آنگاه با میزان‌هایی که علما در اصول تعیین کرده عملی بودن یا نبودن آن را اعلان کرد.»

امام در رابطه با جایگاه روحانیت در میان توده‌ها می‌نویسند:

«امروز در قطب شیعه آن روحانی که احترامش از همه بیشتر و شتر تقلید در خانه او زانو بر زمین زده رئیس روحانیون آقای آقا سید ابوالحسن اصفهانی است. شما از این مرد بزرگ کدام محافظه‌کاری و حرف خرافی شنیدید؟! رساله او بین توده پخش است. در آن یک جمله حرف خرافی و محافظه‌کاری پیدا کنید تا ما از شما بپذیریم و گرنه به‌محض گفتن و ادعا سخنان بی‌پایه شما پذیرفته نیست.»